

مطالعه زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر

فاطمه دوله*^۱، سیف‌الله سیف‌اللهی^۲، حبیب‌الله زنجانی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران.

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده:

حکمرانی خوب الگویی تازه در ادبیات توسعه که از تعامل سه بخش خصوصی، جامعه مدنی و دولت شکل می‌گیرد. در واقع جامعه مدنی پایدار و دولت شهروندمدار زمینه‌ساز دستیابی به توسعه پایدار و حکمرانی خوب است. هدف اصلی در این پژوهش «مطالعه و بررسی نقش احزاب سیاسی در شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران» می‌باشد. مطالعه و بررسی موضوع به صورت مطالعه و مصاحبه با صاحب‌نظران و فعالان سیاسی حزبی و اساتید دانشگاه با استفاده از نمونه‌گیری نظری و هدفمند و بهره‌یابی از روش نظریه‌بنیادی صورت گرفته است. پایایی و اعتبار پژوهش به صورت قابلیت تأیید یا تأییدپذیری به شکل پرهیز از سوگیری پژوهشگر، قابلیت اعتبار یا باورپذیری و اعتماد مصاحبه‌شوندگان به داده‌های استخراج شده و اطمینان‌پذیری در قالب رفت و برگشت داده‌ها با مصاحبه

شوندگان، مشورت با صاحب‌نظران به دست آمد. داده‌های پژوهش که در فرآیند بهره‌یابی از روش نظریه بنیادی به دست آمده است نشان می‌دهد که «تمامیت‌خواهی نظام سیاسی، فرهنگ سیاسی، آگاهی بخشی احزاب سیاسی به صورت مقولات شریطی، تعاملی پیامدی بوده است. بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر؛ عمده‌ترین مشکل و مانع دستیابی به حکمرانی خوب در ایران می‌باشد؛ از جانب نظام‌های سیاسی ایجاد شده است. نظام‌های سیاسی چه پیش و چه پس از انقلاب همواره، توزیع قدرت را تهدید قلمداد کرده و آزادی فعالیت احزاب و تشکل‌های مدنی را محدود کرده‌اند. عزیمت به سوی توسعه پایدار و رعایت حقوق شهروندمداری و قانون‌مداری، زمینه‌ساز بنیادین دستیابی به حکمرانی خوب در ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، احزاب سیاسی، جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی، دولت مدرن.

مقدمه

حکمرانی خوب از موضوعاتی است که با هدف توسعه‌یافتگی و ایجاد توازن در مسیر بهبود و توسعه جامعه دنبال و به کار گرفته شده است. تحقق این الگو نیازمند این است که بسترها و زمینه‌های لازم فراهم و موانع و تنگناهای رسیدن به آن برطرف شود. با توجه به اینکه حکمرانی و کیفیت آن از موضوعات مهم پیش روی جوامع بوده است، مسؤولان سیاسی و دولتمردان همواره سعی کرده‌اند نظام سیاسی خود را کارآمد کنند یا در صورت امکان چهره‌ای کارآمد از آن به نمایش بگذارند. از سویی دستیابی به خیر و مصلحت عمومی همواره هدفی مهم در یک کشور هم در دستگاه دولت و هم میان مردم و بخش خصوصی بوده است. این موضوع هم در بین نظام‌های سیاسی که با تمرکز قدرت، عرصه را بر مردم، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تنگ کرده‌اند و هم در کشورهایی که فضای جامعه از نظر آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و... برای مردم و سازمان‌ها و ساختارهای گوناگون مساعد بوده؛ نمود داشته است. اما میزان تحقق و دستیابی به این هدف و چگونگی آن در جوامع و کشورهای گوناگون بنابه دلایلی از جمله؛ شرایط

خاص آنها، سیاست‌گذاری‌ها، نقش و جایگاه نهادها و ساختارهای واسط بین مردم و نظام سیاسی همچون انجمن‌ها و نهادهای مردمی یا احزاب سیاسی متفاوت بوده است. ایران به عنوان کشوری در حال توسعه طی سالیان متمادی با مسائلی روبرو بوده که در مسیر توسعه واقعی و همه‌جانبه حرکت نکرده بلکه در مسیر توسعه نامتوازن قرار گرفته است. با وجود ترسیم برنامه‌های توسعه از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون این برنامه‌ها حتی در کوتاه مدت نیز هنوز در کشور پیاده و اجرایی نشده است. توسعه در ایران همچنان ناموزون و ناپایدار حرکت می‌کند و مسائلی در جامعه ایجاد شده است که نمونه‌های توسعه نیافتگی و مصادیقی برای توسعه حکمرانی بد هستند تا حکمرانی خوب. با توجه به این موضوع پژوهش حاضر مطالعه زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب است.

طرح مساله

امروزه در جوامع انسانی، دستیابی به توسعه، به ویژه توسعه انسانی و پایدار هدفی مهم به شمار می‌رود و هر روز که می‌گذرد برنامه‌ریزی‌هایی در قالب گفتمان‌های نوین و منسجم برای پیشرفت و توسعه کشورها از سوی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی توسعه ارائه می‌شود. حکمرانی خوب به عنوان یکی از الگوهای یاد شده، موضوعی تازه در ادبیات توسعه است که در دو دهه اخیر در علوم مختلف وارد شده و مورد توجه و بررسی کارشناسان و پژوهشگران و برنامه‌ریزان در سطوح گوناگون قرار گرفته است. حکمرانی خوب که ابتدا در ادبیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع غربی به وجود آمد، امروزه به عنوان گفتمانی با شاخص‌هایی همچون، پاسخگویی، مسؤولیت‌پذیری، حاکمیت قانون، کنترل فساد، شفافیت‌سازی و ... شناخته و ارزیابی می‌شود و کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مجامع بین‌المللی و جهانی آن را دنبال می‌کنند. به طوری که بانک جهانی و سازمان ملل به عنوان اصل و موضوعی مهم در توسعه یافتگی جوامع بر آن تاکید کرده‌اند.

کشورهایی که در هم‌سنجی با جوامع توسعه یافته از سطح پایینی از توسعه و تحقق مصادیق آن بهره‌مند هستند، با مسائلی همانند قانون‌گریزی مردم و مسؤولان، مسؤولیت‌ناپذیری،

فساد اداری، سطح پایین مشارکت، نبود احزاب و سطح پایین فعالیت انجمن‌ها و نهادهای مردمی، محدودیت‌های رسانه‌ای، مدیریت و توسعه نامتوازن در ابعاد مختلف جامعه اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بخشی‌نگری در توسعه روبرو هستند؛ این مشکلات با درجاتی از شدت و ضعف در جوامع توسعه‌نیافته و در حال توسعه‌ای همچون ایران، آشکارا احساس می‌شوند.

این موضوع به اندازه‌ای اهمیت دارد که سازمان‌هایی همچون بانک جهانی بر پایه این معیارهای فوق اقدام به رتبه‌بندی کشورها می‌کنند و با توجه به داده‌های به دست آمده، در راستای بهبود وضعیت جوامع ضعیف برنامه‌ریزی می‌کنند. اما حکمرانی خوب به خودی خود شکل نمی‌گیرد و علل و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری آن نقش دارند. این الگو، نه محدود به یک بخش یا سطح، بلکه امری فراگیر است که وجود آن در همه بخش‌های یک جامعه ضرورت دارد و تحقق آن به هماهنگی و آمادگی همه بخش‌ها نیازمند است. این الگو با هماهنگی، همکاری و پیوند میان سطوح گوناگون جامعه اعم از دولت و نظام سیاسی، مردم و نهادهای میانی همچون احزاب و انجمن‌های مدنی شکل می‌گیرد.

حکمرانی خوب مردم را صاحبان حق می‌داند که قدرت و اعمال اقتدار را به دولت واگذار می‌کنند تا با حکمرانی خوب، بهزیستی عمومی، توسعه پایدار انسانی و رضایت مادی و معنوی را به حداکثر برساند و از حقوق اساسی آنها از قبیل آزادی و گسترش دامنه انتخاب‌ها حمایت کند. بنا به تعریفی که از حکمرانی خوب شده است، موضوع و محور حکمرانی خوب چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه مردم-سالار و برابرخواهانه باشد (میدری، ۱۳۸۳: ۲۵۹). دموکراسی و حکمرانی خوب مترادف هستند و نهادهای مدنی سیاسی باید دموکراسی را در کشور تقویت کنند (حسنات و مرزیا، ۲۰۱۳: ۲).

در این میان جامعه مدنی نقش مهمی در تقویت ساختار حکومتی کشورهای توسعه یافته ایفا می‌کند، سازمان‌های جامعه مدنی پایدار در کشورهای توسعه یافته فرایندهای پاسخگویی به نخبگان و نهادهای سیاسی را افزایش داده‌اند که به سیستم حکومتی شفاف‌تر

منجر شده است. افزایش سازمان‌های جامعه مدنی، مشارکت سیاسی بیشتر شهروندان را به دنبال دارد (اقبال، ۲۰۱۷: ۱۲). نبود نظارت و کنترل عملکرد نظام سیاسی و دستگاه‌های تصمیم‌گیر و برنامه‌ریز در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان یک مساله مطرح است و مسئولان و سیاستگذاران نسبت به عملکرد خود هیچ‌گونه شفاف‌سازی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ندارند این موضوع خود، شکل‌گیری قانون‌گریزی، نبود مشارکت، فساد فراگیر و ... را در پی دارد.

با توجه به آنچه گفته شد؛ حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و ایده‌آل همواره هدفی مهم در زندگی انسان‌ها در بیشتر جوامع بوده است، از این رو جوامع همیشه در پی دستیابی به وضعیت مطلوب بوده و برای نیل به آن برنامه‌ریزی کرده‌اند. برنامه‌های توسعه نیز برای رهایی از وضعیت نامطلوب جامعه به وضعیت مطلوب صورت گرفته است و تحقق توسعه موزون در یک جامعه نیازمند ارائه و پیاده کردن الگوهای مناسب است.

ایران با مسائل زیادی در زمینه حکمرانی خوب روبرو است که مهم‌ترین آنها قانون‌گریزی و فساد فزاینده در لایه‌های مختلف جامعه به ویژه مسئولان است. همین امر جریان توسعه و پایداری آن را در کشور به چالش کشیده و با شکست روبرو می‌کند. بهبود و برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب نیازمند فراهم ساختن بسترها و برنامه‌ریزی در عرصه‌هایی است که از نقش و ضریب تاثیر بالایی در ایجاد مطلوبیت و به عبارتی توسعه متوازن و حکمرانی خوب برخوردارند. در این میان، تشکل‌های و انجمن‌های مردمی نقشی پررنگ و موثر دارند.

با توجه به نیاز به شکل‌گیری گفتمان حکمرانی خوب و اهمیت آن در جامعه، ضرورت دارد که نقش عوامل زمینه‌ساز حکمرانی خوب در ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد که از جمله این عوامل زمینه‌ساز، نهادهای جامعه مدنی به هستند. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های ذیل است؛

۱. زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در جامعه ایران نقش کدام‌اند؟
۲. شرایط علی در شکل‌گیری حکمرانی خوب در جامعه ایران چیست؟
۳. شرایط مداخله‌گر در شکل‌گیری حکمرانی خوب در جامعه ایران چیست؟

۵. چارچوب مفهومی پژوهش

حکمرانی خوب؛ فراتر از حکومت و مفهومی است که همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی را شامل می‌شود و بر اساس شاخص‌هایی خاص و در ارتباط با سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تعریف می‌شود. بر همین مبنا؛ از مجموع تعاریف مختلف حکمرانی خوب، این شاخص‌ها به دست می‌آید:

۱. مشروعیت حکومت به معنای پذیرش عمومی حکومت و حاکمان از سوی شهروندان بر پایه معیارهایی چون قانونی بودن حاکمان و تصمیم‌گیری آنها، رضایت شهروندان و کارآمدی حکومت؛

۲. پاسخگویی حکومت، شهروندان و جامعه مدنی در برابر تصمیم‌ها و رفتارهای خود؛

۳. مدیریت کارآمد جامعه در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی؛

۴. گردش آزاد اطلاعات؛

۵. مشارکت آزاد و برابر همه گروه‌ها؛

۶. حاکمیت قانون و برابری همگانی در برابر آن؛

۷. نظارت منطقی دولت بر جامعه و نظارت منطقی جامعه بر دولت؛

۸. کاهش نابرابری‌ها و فساد؛

۹. بی‌طرفی حکومت.

حکمرانی خوب گفتمانی برای به کارگیری بهتر اختیار به منظور استفاده از حداکثر توان موجود در جامعه و دستیابی به اهداف توسعه‌ای است، بر این اساس اهداف ذیل در حکمرانی در اولویت خواهند بود:

۱- توسعه پایدار نیروی انسانی

۲- ایجاد آزادی‌های مدنی

۳- کمک به اقشار آسیب‌پذیر از طریق فرصت‌های برابر

۴- تقویت سرمایه اجتماعی (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

ظهور ایده حکمرانی خوب، معلول تحولات ساختاری در عرصه جهانی است که پیرو جهانی شدن و تحول مفهوم و کارویژه‌های دولت-ملت رخ داده است. به موازات کم‌اهمیت شدن نقش و دگرذیسی کارویژه‌های دولت-ملت، اهمیت یافتن نقش شهروندان و تأکید فزاینده بر حقوق و مطالبات آنها در قبال حکومت‌ها، مسئولیت‌پذیری بیشتر حکومت‌ها برای مراقبت از حقوق آنها و تنظیم مقرراتی در مورد رفتار شهروندان‌شان در درون و بیرون از مرزهای خود را شاهد هستیم؛ به گونه‌ای که با ظهور فرهنگ نوین رژیم حقوق بشر مواجه شده‌ایم (ریلی^۱، ۲۰۰۷: ۱۰۵۹).

هنگامی که در یک جامعه آزادی‌های قانونی و جریان انتشار آزاد اطلاعات که از مصداق‌های بارز حق اظهارنظر و پاسخگویی هستند، وجود داشته باشد، می‌تواند به تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در یک کشور منجر شود و از طرفی وجود نهادهای مدنی از قبیل انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، وجود احزاب و آزادی آنها، انتخابات آزاد و سالم، قدرت بخشی مردم جامعه را به دنبال داشته و این حق را به آنان می‌دهد که بتوانند در انتخاب دولت و کنترل آن به معنای واقعی و نه فقط به صورت فرمایشی، دست داشته باشند. تا بدین‌گونه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نیز نه به صورت یک‌سویه و از بالا به پایین بلکه مشارکتی و با تعامل دوسویه مردم و دولت انجام و اجرا شود. در چنین شرایطی است که می‌توان ادعا کرد زمینه‌ها برای حکمرانی خوب در یک کشور فراهم شده است.

برای اداره امور عمومی دو الگو وجود دارد. الگوی نخست حکومت است که مسئولیت تمام امور را بر عهده دارد. حکومت موظف است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی یا شهروندان فراهم کند. در الگوی دوم که حکمروایی نام دارد، مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. ضمن آنکه هر سه بخش یاد شده در تعامل با یکدیگر قرار دارند به گونه‌ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را بر هم خواهد زد. از این رو ایجاد ارتباط و

¹Reily

تبادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش امکان بهتر زیستن را در یک جامعه‌ی مطلوب فراهم خواهد کرد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۹؛ قنبری، ۱۳۹۱: ۱۰۷). در همین راستا، گفتمان‌های مختلفی براساس مناسبات دولت و جامعه شکل گرفته است که می‌توان آنها را در چهار گفتمان دسته‌بندی کرد: گفتمان اول؛ گفتمان جامعه فعال و دولت منفعل بود که در آن، جامعه نیرومند و دولت کوچک بود. گفتمان دوم؛ گفتمان جامعه فعال و دولت فعال بوده است، که در آن هم جامعه و هم دولت نیرومند بوده است. گفتمان سوم، گفتمان جامعه منفعل و دولت فعال بوده که در آن، جامعه ضعیف و دولت نیرومند است. گفتمان چهارم؛ گفتمان دولت فعال و جامعه فعال است که در آن جامعه نیرومند و دولت کوچک است (بشیریه، ۱۳۸۳: ۳۵۱). بر این اساس با توجه به شواهد و قراین (سیاست‌گذاری‌های سلسله مراتبی و برنامه‌ریزی‌های از بالا به پایین) گفتمان غالب در جامعه ایران؛ گفتمان سوم یعنی جامعه منفعل و دولت فعال است بدینگونه که جامعه ضعیف و دولت نیرومند است در صورتی که ما باید به گفتمان جامعه و دولت نیرومند و فعال برسیم.

کارآمدی نظام سیاسی به مجموعه گسترده‌ای از ارزش‌های شهروندی اعم از اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی نیازمند است. این رویکرد که به رویکرد اجتماع‌گرایان نیز مشهور است، به ارزش‌هایی تأکید دارد که شهروندان را به زندگی روزمره پیوند داده و پیوندهای اجتماعی و وفاداریشان به اجتماع را تقویت می‌کند.

هابرماس در تحلیل خود از پیچیدگی‌های جامعه امروز، معتقد است که مدرنیزاسیون به انفکاک کارکردی جامعه به چهار حوزه اصلی منجر شده است، که بوسیله دو نوع گرایش متفاوت مشخص می‌گردند: اقتصاد و دولت بروکراتیک به مثابه نظام‌هایی تلقی می‌شوند که در آنها بازیگران اجتماعی با عقلانیت استراتژیک بر مبنای نفع شخصی به خود جهت می‌دهند. دو گروه دیگر، که هابرماس آنها را زیست جهان^۱ می‌نامد، عبارتند از حوزه عمومی^۲ جامعه مدنی خارج از دولت و اقتصاد و حوزه خصوصی درونی^۱. بازیگران در این عرصه‌ها از طریق کنش ارتباطی در صد در صد یکدیگر برمی‌آیند (نش، ۱۳۹۵: ۲۷۳).

^۱.the Lifeworld

^۲.Public sphere

همه نظام‌های سیاسی به مشروعیت نیاز دارند زمانی آن را بدست می‌آورند که مردم از نهادهای خاص نظام و خود نظام به عنوان یک کل، حمایت کنند. براین اساس، ایستون عنوان می‌کند که حمایت شهروندان از نظام سیاسی و اعتماد توده مردم به نهادهای دولتی، نظام سیاسی را با مشروعیتی که برای عملکرد موثر و کارآمدی به آن نیازمند است، تجهیز می‌کند (اینگلهارت، ۲۰۰۸). ایستون معتقد است که با افزایش انجمن‌های اجتماعی و تقویت جامعه مدنی در قالب تقاضاها و حمایت‌ها از نظام سیاسی می‌توانند با تأثیر بر تصمیمات و کنش‌های دولت، بر کارآمدی و پاسخگویی نظام سیاسی بیفزایند (دیوید ایستون، ۱۹۶۵ به نقل از چیلکوت، ۱۳۷۷).

آلموند و وربا نیز در مطالعات تجربی خود بر نقش نهادهای مدنی و فرهنگ اعتماد در پایداری حکمرانی دموکراتیک کارآمد تأکید کرده‌اند. از دید آلموند و وربا، فرهنگ مدنی، آمیزه‌ای از ارزش‌های مدرن و سنتی است. فرهنگ مدنی، در مقایسه با سرمایه اجتماعی، عام و کلیتر است و سرمایه اجتماعی در بستر و دل فرهنگ مدنی قرار می‌گیرد. از دید آن دو، نهادهای ثانوی یا انجمن‌های داوطلبانه، باعث تعامل و پیوند افراد و گروه‌ها با دولت می‌شود. شهروندان از راه نهادهای مدنی می‌توانند خود را به گونه‌ای موثر، معنی‌دار و کارآمد با نظام سیاسی مربوط سازند، زیرا این نهادها، میانجی شهروندان و دولت‌اند. شهروندان می‌توانند بر پویش‌های تصمیم‌گیری و حکمرانی تأثیر بگذارند (والترز، ۲۰۰۰: ۳۸۲).

گروتارت^۲ سرمایه اجتماعی را مولفه‌ای اساسی برای تبیین این پرسش که چرا برخی از جوامع نسبت به جوامع دیگر موفق‌تر هستند؟ می‌داند. به نظر گروتارت سرمایه اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارآمد می‌شود (گروتارت، ۲۰۰۲، به نقل از کبیری، ۱۳۹۰: ۵۵). به نظر اسلانر و دکر^۳ کشورهایی که از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند عملکرد حکومتی مناسب‌تری دارند. نتایج مطالعات آنها نشان داد، در جوامعی

¹ Private domestic sphere

² Grootart, Christian

³ Uslaner & Dekker

که میزان مشارکت در امور مدنی بالا است، حکومت کیفیت بهتری دارد (اسلانر و دکر، ۲۰۰۱: ۱۷۶-۱۷۷؛ غفاری، ۱۳۸۵: ۸۰؛ کبیری، ۱۳۹۰: ۵۶).

۶. پیشینه تجربی موضوع

کبیری (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی حکمرانی خوب، بررسی تطبیقی- فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۸-۲۰۰۰» با نگاهی به درجه تفاوت‌پذیری کیفیت حکمرانی در بین کشورها عوامل تعیین‌کننده کیفیت حکمرانی را ترکیب عطفی از منابع اقتصادی دولت، اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی، می‌داند. یافته‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی بین مجموعه‌ای دلالت بر آن دارد که اعتماد اجتماعی و درآمدهای غیر رانتهی دولت و مشارکت مدنی تقریباً همیشه شرط علی و لازم برای حکمرانی خوب هستند. نتایج واری ترکیب‌های علی متفاوت نیز نشان داده است که ترکیب عطفی درآمدهای غیر رانتهی دولت با مشارکت مدنی بالا، اعتماد اجتماعی بالا، ترکیب علی تقریباً همیشه لازم برای وقوع حکمرانی خوب است.

آنایت وینسنت ایشن^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «رابطه توسعه انسانی با حکمرانی خوب در نیجریه» به بررسی اثرات حکومتداری خوب بر توسعه انسانی در اقتصاد نیجریه پرداخته است. از این رو از شش شاخص اصلی حکومت «کنترل فساد، ثبات سیاسی، صدا و پاسخگویی، اثربخشی دولت، تنظیم کیفیت و حاکمیت قانون» استفاده نموده‌اند؛ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های سری رگرسیونی نشان داد که تمام پارامترهای مدل پژوهش در طول دوره مطالعه پایدار هستند و تمام شاخص‌های حکومتداری خوب به جز کیفیت تنظیم مقررات، تاثیر بسزایی در توسعه انسانی دارند؛ حکومت داری خوب تعیین‌کننده توسعه انسانی است یا به عبارتی، حکومت‌داری خوب می‌تواند به عنوان متغیری سیاستی ایجاب کند که از طریق آن بتوان پیشرفت انسانی در نیجریه را محقق ساخت. دولت دموکراتیک کنونی و دولت گذشته بر رفاه مردم تاثیر گذاشته‌اند. از این رو، این نشان دهنده میزان ضعف حکومتداری در نیجریه است.

¹ Anietie Vincent Essien

رجب حسنات شکیل و کانیز مرزیا^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «احزاب سیاسی و حاکمیت خوب: چشم‌انداز بنگلادش» به این نتیجه رسیده‌اند که برای ایجاد حکمرانی خوب و دموکراسی، هیچ راهی برای تجدید نظر در اشتباهات حزب سیاسی وجود ندارد؛ احزاب سیاسی باید دموکراسی را در کشور تقویت کنند، و آنها باید ابتدا نهادینه شوند. در غیر اینصورت، اگر حزب به قدرت برسد، مردم نمی‌توانند از حکومت خوب انتظار داشته باشند؛ هیچ جایگزینی برای تأیید نهادهای سازی دموکراسی در درون حزب وجود ندارد، زیرا این ابزار تمام نظام دموکراتیک است. باید توجه داشت که این نوع پیمان دموکراتیک به دست حزب سیاسی برای حصول اطمینان از حکومت‌داری خوب است؛ زیرا این ساده‌ترین راه برای برآورده ساختن آرزو بلند ماست که به عنوان یک کشور افتخار به شمار می‌آید.

زاهور احمد و آیشا سلیم^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر حکمرانی بر توسعه انسانی در پاکستان» به این نتیجه رسیده‌اند که اگر کشور رشد خالص و توسعه انسانی را بخواهند، اصلاحات حکومتداری ضروری است. هدف اصلی این مطالعه تعیین شاخص-های حاکمیت قابل توجهی است که بر توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد. بررسی شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) کشورهای مختلف به عنوان متغیر وابسته و شش شاخص حکمرانی خوب نشان می‌دهد که ثبات سیاسی، صدا و پاسخگویی، کیفیت نظارتی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد به عنوان متغیرهای مستقل مورد استفاده قرار گرفتند. رگرسیون چندگانه نشان داد که اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، کنترل فساد و کیفیت نظارت تأثیر قابل توجهی بر توسعه انسانی دارد.

ابوکریم موسی^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «دموکراسی، سیاست‌های حزبی و مدیریت خوب: نقش سازمان‌های نظارتی انتخاباتی در نیجریه» به این نتیجه رسیده است که؛ دموکراسی در جهان به عنوان بهترین شکل حکومت پذیرفته شده است. اما در نیجریه اخیر حکومت آزادی‌های سیاسی و احزاب را برای موجودیت خود مخاطره‌انگیز می‌داند و به

¹ Rajib Hasnat Shakil; Kaniz Marzia

² Zahoora Ahmad; Aysha Saleem

³ Abu Karim Musa

همین دلیل آن را محدود می‌کند. در حالیکه تاثیر فرهنگ دموکراتیک بر توسعه اقتصادی - اجتماعی انکار ناپذیر است. این مقاله توصیه می‌کند که نهاد دموکراتیک تقویت شود و برای ترویج دموکراسی و حکومت‌داری خوب، نظارت بر انتخابات ضرورت دارد.

ساجد اقبال^۱ (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «نقش سازمان‌های جامعه مدنی در حکمرانی خوب در پاکستان» انجام داده است. بر اساس این پژوهش؛ جامعه مدنی نقش مهمی در تقویت ساختار حکومتی کشورهای توسعه یافته ایفا کرده است. سازمان‌های جامعه مدنی پایدار، در کشورهای توسعه یافته فرآیندهای پاسخگویی به نخبگان و نهادهای سیاسی را افزایش داده‌اند که به سیستم حکومتی شفاف‌تر منجر شده است. سازمان‌های جامعه مدنی به معنای مشارکت سیاسی بیشتر شهروندان هستند. الگوی نقش جامعه مدنی در حکمرانی خوب در کشورهای توسعه یافته، به ویژه آمریکا، به کشورهای در حال توسعه نیز صادر می‌شود، اما نتایج نمی‌تواند مانند هم باشد.

پژوهش حاضر هم از نظر روش‌شناسی که روش آن نظریه بنیادی است و هم از نظر متغیرهای مورد بررسی (فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، طبقه متوسط، جامعه مدنی و شبکه‌های اجتماعی) در ارتباط زمینه‌های تحقق حکمرانی خوب با پیشینه نگاه‌ها تفاوت دارد.

۸. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، پژوهشی کیفی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای اسنادی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه است. شیوه گردآوری به صورت مصاحبه عمیق و مصاحبه نیم‌ساخت یافته با صاحب نظران سیاسی، استادان دانشگاه و فعالان حزبی است. مصاحبه‌ها در محیط کار مصاحبه شوندگان صورت گرفت. با توجه به تفاوت شیوه نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی؛ شیوه نمونه‌گیری این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و نظری صورت گرفته است.

^۱ Sajid Iqbal

در بررسی‌های کیفی و نیز مطالعه کنونی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری به صورت همزمان استفاده کرد؛ این دو نوع نمونه‌گیری عبارتند از: نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (جانسون، ۱۹۸۹؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ۸۸).

نمونه‌گیری نظری با انواع نمونه‌گیری احتمالی-غیراحتمالی موجود و روش‌های متعارف کمی دارای تفاوت‌های اساسی است. گلاسر (۱۹۶۷) نمونه‌گیری نظری را به مثابه فرآیند داده‌ها برای تولید نظریه تعریف می‌کند که به وسیله آن محقق همزمان داده‌ها را گردآوری، کدبندی و تحلیل می‌کند و در مورد نوع داده‌های مورد نیاز و جای پیدا کردن آنها در خلال گردآوری داده‌ها تصمیم می‌گیرد تا نظریه را آن‌طور که خودش ظهور می‌یابد، تولید کند. بنابراین نمونه‌گیری نظری محقق را در راستای یافتن جهت و مسیر گردآوری داده‌هایی مورد نیاز، محل وجود این داده‌ها و چگونگی ربط دادن آنها به همدیگر هدایت می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۰).

در پژوهش حاضر پژوهشگر با ۲۳ تن از صاحب‌نظران سیاسی به اشباع نظری دست یافت، اما با توجه به اهمیت موضوع مورد بررسی، مصاحبه‌ها تا ۳۵ تن افزایش یافت. در جدول زیر نمونه‌ای از اظهارات مصاحبه‌شوندگان و مشخصات آنها با رعایت پرهیز از اعلام اسامی-بنا به درخواست آنان- آمده است.

جدول شماره ۱: مشخصات و نمونه اظهارات مصاحبه‌شوندگان

کد	تخصص	سن	تحصیلات	نظر و دیدگاه
۱	هیات علمی- نماینده مجلس	۵۵	دکتری علوم سیاسی	در جامعه ما مشارکت تبعی است- ابزار مشارکت سیاسی حزب است و بدون حزب نمی‌توان در عالم سیاست مشارکت داشت- نظام مدیریتی در ایران مانع شکل‌گیری تحزب به معنای واقعی است- احزاب با دولت مدرن نیازمند وجود احزاب برای دو امر کادرسازی و برنامه‌ریزی است- ساختارهای پراکنده اجتماعی، مذهبی، و فرهنگ دیکتاتوری

کد	تخصص	سن	تحصیلات	نظر و دیدگاه
				و نبود قانون حزب، مانع شکل‌گیری احزاب هستند. باید بر ساختار سیاسی نظارت کنند در حالی که در ایران اینگونه نیست- احزاب باید بتوانند پیوند خود را با دیگر بخش‌های جامعه مدنی تقویت کنند- احزاب و جامعه مدنی باید بتوانند منافع مردم را در نظر بگیرند- اگر حزبی از ظرفیت- های جامعه مدنی استفاده نکند تاثیرگذار نخواهد بود- اگر چه در ایران مردم رای می‌دهند اما حضورشان نهادینه نشده است- در ایران ضعف ساختار اجازه فرهنگ نهادینه سیاسی را نمی‌دهد- فرهنگ سیاسی باید با افزایش آگاهی مردم از ضروریات و نیازهای جامعه تقویت شود- آگاهی مردم از وضعیت موجود و شناخت آنها از وضعیت مطلوب می‌تواند فرهنگ سیاسی را پربار و رفتار سیاسی آگاهانه را تقویت کند....
۲	هیات علمی دانشگاه- فعال سیاسی و حزبی	۶۲	دکتر جامعه شناسی	احزاب مشروعیت بخش نظام سیاسی هستند- باید منتقد سیاسی باشند- احزاب باعث پاسخگو کردن دولت و حاکمیت نقش دارند- تشکل‌های مدنی که ارتباط جامعه و حکومت را فراهم می‌کنند- باید استقلال اقتصادی از دولت و حاکمیت داشته باشند- در ایران آزادی برای فعالیت‌های مدنی وجود ندارد- بعد از انقلاب دو مانع عمده در راه جامعه مدنی وجود داشته است؛ ۱- فرد محوری رفتارهای سیاسی ۲- تسلط جناح‌های سیاسی- برای تشکیل جامعه مدنی، دولت باید کوچک شود- برای رسیدن به حکمرانی خوب باید قدرتمندان و حاکمیت به قاعده سیاسی باور داشته باشند- در ایران جامعه در قالب نفوذی و غیر نفوذی و حق و باطل تعریف شده و همین باعث شده است که فرهنگ سیاسی قوی، حزب و حکمرانی خوب شکل نگیرد- برای شکل‌گیری فرهنگ سیاسی، باید جامعه‌پذیری

کد	تخصص	سن	تحصیلات	نظر و دیدگاه
				سیاسی صورت گیرد.
۳	فعال سیاسی و حزبی	۴۸	کارشناسی ارشد علوم سیاسی	احزاب باعث شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی حاکمیت می‌شوند. احزاب باعث آزادی در تبادل اطلاعات می‌شوند اما در ایران نه فقط شفافیت در همه زمینه‌ها وجود ندارد بلکه به لحاظ آزادی اطلاعات محدودیت‌های بسیاری وجود دارد-در برخی دوره‌ها، احزاب را به جاسوسی متهم می‌کنند-احزاب در ایران فصلی و موقتی عمل شکل می‌گیرند-نهادهای مدنی باید تشکلهای شناسنامه‌دار باشند-برای شکل‌گیری حکمرانی خوب و تقویت جامعه مدنی، باید افراد و نهادها در حوزه وظایف خود، بدون دخالت دیگری عمل کنند-حاکمیت به تقویت جامعه مدنی تمایل ندارد زیرا باید بخشی از اختیارات قدرت را به آنها واگذار کند-اگر شاخص‌های فرهنگ سیاسی در ایران رشد نکنند، جامعه با مشکل روبرو می‌شود-فرهنگ سیاسی از ایجاد جنبش‌های پوپولیستی جلوگیری می‌کند-احزاب با نهادهای مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی و تحزب و حکمرانی خوب را تقویت می‌کنند-احزاب بهترین بستر ایجاد و تقویت فرهنگ سیاسی هستند.
۴	عضو هیات علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی	۴۲	دکتری علوم سیاسی	ممکن است به نهادهای ضد مردم تبدیل شوند- در حوزه عمومی شکل می‌گیرند-از انقلاب مشروطه به بعد، درک درستی از تحزب و فعالیت مدنی در کشور کل نگرفت- دولت مدرن نیازمند وجود احزاب برای دو امر کادرسازی و برنامه‌ریزی است-ساختارهای پراکنده اجتماعی، مذهبی، و فرهنگ دیکتاتوری و نبود قانون تحزب، مانع شکل‌گیری احزاب هستند-جامعه مدنی پرسشگر و حاکمیت پاسخگو می‌تواند به تحقق حکمرانی خوب کمک کند- برای تقویت جامعه مدنی باید از راه روش جوامع توسعه‌یافته اقتباس

کد	تخصص	سن	تحصیلات	نظر و دیدگاه
				عالمانه صورت گیرد-در ایران نافرمانی مدنی به جای جامعه مدنی دیده می‌شود-دولت‌ها باید به فرهنگ سیاسی توجه داشته باشند-این آگاهی در جامعه به وجود آمده که مشارکت به صورت انفرادی ممکن نیست و باید به صورت جمعی باشد-در جامعه نگاه امنیتی به حرکت‌های جمعی سیاسی وجود دارد.
۵	فعال حزبی- نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی- هیات علمی دانشگاه پیام نور	۵۰	دکتری علوم سیاسی	نظام مدیریتی در ایران مانع شکل‌گیری تحزب به معنای واقعی است. نظام‌های مدیریتی در ایران یا قبیله‌ای یا فردی یا دیکتاتوری بوده است- حاکمیت در ایران هم عامل و هم حاکم قدرت بوده و به همین دلیل مخالف توزیع قدرت بوده‌اند-حکمرانی خوب مستلزم دولت قوی و جامعه منی قوی است-گسترش نهادهای مدنی کوچک باعث تقویت احزاب می‌شود- آگاهی لازمه فرهنگ سیاسی است-نهادهای مدنی فعال، زمینه‌ساز فرهنگ سیاسی هستند-فرهنگ سیاسی متأثر از فساد اقتصادی و فساد اخلاق دچار بحران می‌شود.
۶	فعال سیاسی- حزبی- استاد دانشگاه- روزنامه نگار	۴۶	دکتری علوم سیاسی	مردم به گونه‌ای هدایت شده‌اند که خود را به تحزب بی‌نیاز می‌دانند-عدم تحمل ساختار سیاسی در برابر صدای مخالف مانع شکل‌گیری تحزب شده است- ترازوی عدالت اجتماعی در ایران در نوسان و مانع فعالیت احزاب سیاسی است-جامعه مدنی و خوب رابطه دو طرفه دارند. تقویت یکی موجب تقویت دیگری می‌شود و بالعکس- شکل-گیری جامع مدنی مستلزم آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است-فرهنگ سیاسی ما بیمار است- مشارکت انتخاباتی مردم به معنای فرهنگ سیاسی نیست.
۷	استاد دانشگاه-		دکتری علوم	دخالت نظامیان در قدرت مانع تحزب است- رهبران حزبی در ایران از وظایف خود آگاهی ندارند-احزاب در ایران به

کد	تخصص	سن	تحصیلات	نظر و دیدگاه
	روزنامه نگار- فعال سیاسی		ارتباطات	دنبال ارضای حس قدرت‌طلبی خود هستند-در ایران احزاب به معنای واقعی وجود ندارند- جامعه مدنی در ایران در حال رشد است- آگاهی برای تقویت جامعه مدنی در حال افزایش است-در ایران رفتارهای مردم سیاسی و نهادمند نیست-مشارکت سیاسی مقطعی در ایران از نبود فرهنگ سیاسی سالم حکایت می‌کند.

همچنین با استفاده نمونه‌گیری هدفمند، محقق کیفی با افرادی گفتگو می‌کند که در زمینه موضوع مورد مطالعه یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی باشند. آن افراد را اصلاً مطلعین یا دروازه‌بان می‌خوانند (نیومن، ۲۰۰۰ و محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۱). به همین منظور نیز پژوهشگر برای بررسی موضوع، با صاحب‌نظران سیاسی و اساتید دانشگاه که در زمینه مزبور دارای آگاهی و دانش کافی بودند به مصاحبه پرداخت.

۹. پایایی و اعتبار پژوهش

گوبا و لینکن قابلیت اعتماد را به عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی مطرح ساخته‌اند که متشکل از چهار مفهوم جزئی‌تر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت تأیید و اطمینان‌پذیری است؛ در این پژوهش نیز از همین معیار استفاده شده است باورپذیری؛ انجام مصاحبه‌های حضوری، گفت و گوهای عمیق و طولانی با صاحب‌نظران و استادان دانشگاه و فعالان سیاسی، تحلیل و تفسیر داده‌های به دست آمده و ارزیابی اعتبار آن‌ها با مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش حاصل شد.

برای انتقال‌پذیری پژوهش به عنوان معیار دیگر قابلیت اعتماد و تلاش تا تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج پژوهش با استفاده از شیوه درست به دست آید تا در موارد مشابه و زمان‌های دیگر بتوان نتایج را به کار برد. تصدیق‌پذیری نیز با استفاده از نظرات دیگران درباره یادداشت‌ها، گفت و گوها و تفاسیر داده‌ها با کارشناسان صورت گرفت؛ اطمینان‌پذیری به

این صورت به دست آمد که مصاحبه‌ها، ضبط و به صورت نوشته تنظیم می‌شد و رفت و برگشت داده‌ها با مصاحبه شوندگان در فرآیند پژوهش حاصل شد.

۱۰. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، دستاوردها و یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه روش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر بر اساس نظریه مبنایی اشتراوس و کوربین است، در مرحله نخست کدگذاری باز انجام شد و از اظهارات مصاحبه شوندگان، ۷۰ مفهوم استخراج شد در مرحله بعدی از فرآیند روش نظریه مبنایی؛ کدگذاری محوری انجام شد و تعداد ۱۶ مقوله محوری از مفاهیم موجود به دست آمد سپس در مرحله آخر یعنی مرحله کدگذاری انتخابی؛ ۳ مقوله هسته استخراج شد.

جدول شماره ۱: مقوله‌های عمده و مقوله‌های استخراج شده به تفکیک متغیرهای مورد بررسی

ردیف	حوزه مورد بررسی	تعداد مفاهیم استخراج شده	تعداد مقوله‌های استخراج شده	مقوله‌های هسته
۱	احزاب سیاسی	۲۸	۶	تقویت و عدم تقویت احزاب سیاسی
۲	سرمایه اجتماعی	۲۱	۵	عوامل شکل‌گیری سرمایه اجتماعی
۵	فرهنگ سیاسی	۲۱	۵	ارتقای فرهنگ سیاسی
جمع	۳ بعد	۷۰	۱۶	۳ مقوله هسته

در این بخش هدف این است که یک مدل تلفیقی، همگرا و دارای سطح انتزاعی بالاتر ارائه شود. به همین منظور تلاش شده است که عوامل موثر و زمینه ساز حکمرانی خوب در قالب مقوله‌های عمده و محوری که پیش‌تر به آنها اشاره شده بود؛ در یک صورت‌بندی تازه، ترکیب و بر اساس محورهای سوالات پژوهش ارائه شوند. بر این مبنای، تمامی مقوله‌های عمده بر حسب ابعاد شریطی و تعاملی و پیامدهای آنها، تلفیق شده تا مدل انتزاعی در راستای سوال اصلی پژوهش استخراج شود.

به همین منظور در جدول ذیل ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدها به صورت طبقه‌بندی شده ارائه شده است. هدف از این جدول، دستیابی به بالاترین سطح انتزاع یا به عبارتی نظریه زمینه‌ای است. در ادامه مدل مبنایی نهایی با محوریت مقوله نهایی هسته ترسیم و ارائه می‌شود. مدل اخیر؛ تبیین هدف اصلی پژوهش یعنی «بررسی زمینه‌ها و تنگناهای شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران» است. در جدول ذیل مقوله‌های عمده به سطح بالاتری از انتزاع، ارتقا پیدا می‌کنند. با توجه به اینکه ۱۶ مقوله عمده دارای درجاتی از تشابه هستند در سطحی کلی‌تر و انتزاعی‌تر و بر اساس ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدی، صورت‌بندی شده‌اند.

جدول شماره ۲: مقوله‌های عمده مجدداً کدبندی شده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدی

نوع مقوله	مقوله‌های عمده نهایی	مقوله‌های عمده	ردیف
شرایطی	تمامیت خواهی نظام سیاسی	نظام‌های سیاسی تمامیت خواه، عدم التزام نظام سیاسی به اهمیت جامعه مدنی، نگاه امنیتی نسبت به رفتارهای سیاسی شهروندان	۱
شرایطی	آگاهی بخشی احزاب سیاسی	ویژگی‌های مثبت احزاب سیاسی، آموزش و آگاهی، قاعده‌مندی رفتارهای سیاسی	۲
پیامدی	مقوله‌های پیامدی	نبود احزاب سیاسی واقعی، وابستگی به ساختار سیاسی، فرهنگ سیاسی ضعیف	۳

همانگونه که در جدول فوق اشاره شده است تمامی مقوله‌ها نخست به صورت کلی و طبق حوزه‌های مورد مطالعه و سپس در قالب سه ستون اصلی شامل مقوله‌های، شرایطی، تعاملی و پیامدی، طبقه‌بندی شده‌اند. که در ذیل هرکدام از مقولات هسته نهایی با توجه به دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان و مبنای نظری پژوهش، توضیح داده شده است.

۱. تمامیت خواهی نظام سیاسی

بر اساس مقوله هسته فوق که خود انتزاع شده از سایر مقوله‌های عمده است؛ نظام سیاسی و دولت، تاثیر زیادی در توسعه و حکمرانی خوب دارد. نظام‌هایی که در پی تمامیت خواهی هستند، مستقیم یا غیر مستقیم مانع توسعه و پیشرفت مدنی به شمار می‌آیند. مصاحبه‌شوندگان تمامیت‌خواهی نظام سیاسی را با یک ایدئولوژی کلی، یک سیستم تک

حزبی متعهد به آن، انحصار در سلاح‌های مورد استفاده، انحصار وسایل ارتباط جمعی، انحصار اقتصادی و ... که معمولاً توسط یک نفر رهبری می‌شود، تعریف کردند. در این نظام‌ها سیاسی، زندگی عمومی و رفتارهای شهروندان تحت نظارت و کنترل دولت‌ها قرار می‌گیرد.

به زعم آنان در این نظام‌ها؛ تشکیل اتحادیه‌های کارگری، نهادهای مذهبی تأیید نشده یا احزاب سیاسی مخالف قابل پذیرش نیستند. بنابه نتایجی که از تحلیل داده‌ها به دست آمد؛ حکمرانی خوب در ایران موانع و تنگناهایی گوناگونی دارند که موانع ساختاری مهمترین آن‌ها هستند.

جدول شماره ۳: مفاهیم استخراج شده از عبارات مصاحبه شونده‌گان درباره مقوله تمامیت خواهی نظام

سیاسی

ردیف	عبارت	مفهوم
۱	نظام مدیریتی در ایران مانع شکل‌گیری حزب به معنای واقعی است. نظام‌های مدیریتی در ایران یا قبیله‌ای یا فردی یا دیکتاتوری بوده است.	ناکارآمدی نظام مدیریتی
۲	حاکمیت در ایران هم عامل و هم حاکم قدرت بوده و به همین دلیل مخالف توزیع قدرت بوده اند.	نظام حاکمیت استبدادی
۴	عدم تحمل ساختار سیاسی در برابر صدای مخالف مانع شکل‌گیری حزب شده است.	تمامیت خواهی حاکمیت
۷	فرهنگ سیاسی مردم در ایران با فرهنگ نظام‌های مدرن متناسب نیست.	نبود فرهنگ سیاسی در جامعه
۸	در قانون اساسی از تشکل‌های سیاسی حمایت شده است و نگاه مثبتی به آنها وجود دارد. اما در واقعیت امر احزاب و تشکل‌ها هیچ جایگاهی در کشور ندارند.	عدم التزام نظام سیاسی به اهمیت جامعه مدنی
۹	در برخی دوره‌ها، احزاب را به جاسوسی متهم می‌کنند.	نگاه امنیتی به احزاب و نهادهای مدنی و رفتارهای سیاسی شهروندان
۱۰	ساختارهای پراکنده اجتماعی، مذهبی، و فرهنگ دیکتاتوری و نبود قانون	موانع ساختاری و قانونی

ردیف	عبارت	مفهوم
	تحرز، مانع شکل‌گیری احزاب هستند.	

۲. آگاهی بخشی احزاب سیاسی

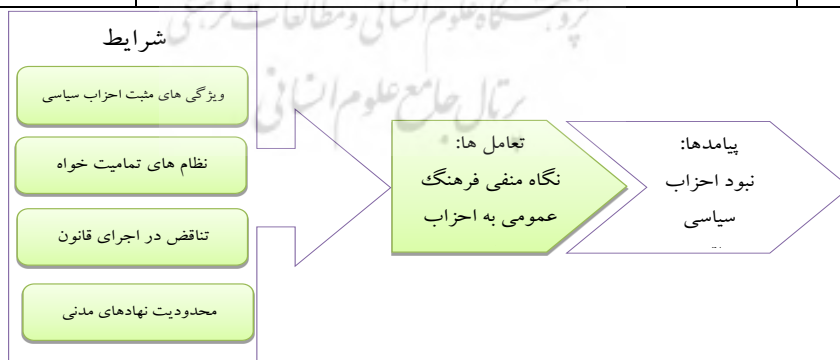
بر اساس این مقوله که بعد از انتزاعی و استنتاج شده از سایر مقوله‌های عمده است؛ احزاب سیاسی مهمترین ابزار مدنی هستند که مطالبات و خواست‌های شهروندان و جامعه مدنی را به دولت و نظام سیاسی انتقال می‌دهند. آنها همچنین با نظارت بر عملکرد دولت و نظام سیاسی باعث می‌شوند که نقش مردم به عنوان کارفرما و دولت و نظام به عنوان کارگزار مردم، به خوبی مصداق یابد.

جدول شماره ۴: مفاهیم استخراج شده از عبارات مصاحبه‌شوندگان درباره مقوله آگاهی بخشی احزاب

سیاسی

ردیف	عبارت	مفهوم
۱	ابزار مشارکت سیاسی حزب است و بدون حزب نمی‌توان در عالم سیاست مشارکت داشت.	ابزار سیاسی
۲	احزاب باید بر ساختار سیاسی نظارت کنند.	نقش نظارتی
۳	احزاب مشروعیت بخش نظام سیاسی هستند	مشروعیت بخش بودن
۴	باید منتقد سیاسی باشند.	منتقد سیاسی
۵	احزاب باعث پاسخگو کردن دولت و حاکمیت نقش دارند.	پاسخگو کردن حاکمیت
۶	احزاب باعث شفاف سازی فعالیت های اقتصادی و سیاسی حاکمیت می شوند.	شفاف سازی
۷	احزاب باعث آزادی در تبادل اطلاعات می شوند.	آزادی اطلاعات
۸	تشکل های مدنی که ارتباط جامعه و حکومت را فراهم می کنند.	نهاد مدنی
۹	باید استقلال اقتصادی از دولت و حاکمیت داشته باشند.	عدم وابستگی به دولت
۱۰	ممکن است به نهادهای ضد مردم تبدیل شوند.	عدم فرهنگ سازی
۱۱	در حوزه عمومی شکل می گیرند.	نماینده جامعه مدنی
۱۲	از انقلاب مشروطه به بعد، درک درستی از تحرز در کشور کل نگرفت.	عدم درک درست از

ردیف	عبارت	مفهوم
		احزاب
۱۳	مردم به گونه ای هدایت شده اند که خود را به تحزب بی نیاز می دانند.	عدم باور عمومی به تحزب
۱۴	ترازوی عدالت اجتماعی در ایران در نوسان و مانع فعالیت احزاب سیاسی است.	عدم عدالت اجتماعی
۱۵	رهبران حزبی در ایران از وظایف خود آگاهی ندارند.	ناآگاهی رهبران حزبی
۱۶	احزاب در ایران به دنبال ارضای حس قدرت طلبی خود هستند.	ولع قدرت در احزاب
۱۷	در ایران احزاب به معنای واقعی وجود ندارند.	نبود تحزب در ایران
۱۸	فرهنگ سیاسی مردم در ایران با فرهنگ نظام های مدرن متناسب نیست.	نبود فرهنگ سیاسی در جامعه
۱۹	در قانون اساسی از تشکل های سیاسی حمایت شده است و نگاه مثبتی به آنها وجود دارد. اما در واقعیت امر احزاب و تشکل ها هیچ جایگاهی در کشور ندارند.	تناقض در نگاه قانون و حاکمیت به احزاب
۲۰	احزاب در ایران فصلی و موقتی عمل شکل می گیرند.	فعال شدن احزاب در انتخابات
۲۱	دولت مدرن نیازمند وجود احزاب برای دو امر کادرسازی و برنامه ریزی است.	احزاب لازمه دولت مدرن



۳. محدودیت‌ها و حمایت‌های مدنی

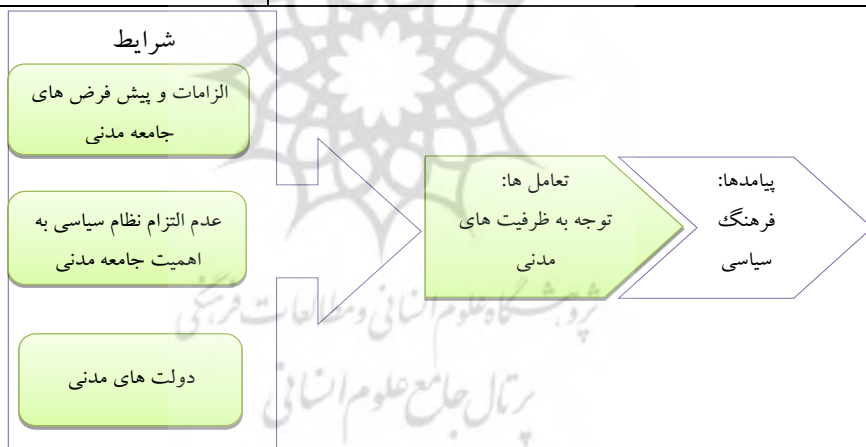
جامعه مدنی همانطور که در مطالب فوق به آن پرداخته شد، بخش حائل میان دولت و مردم است که زمینه حضور موثر شهروندان در تصمیم‌سازی‌های سیاسی را فراهم می‌کند. این بخش با گسترش نهادهای مدنی کوچک از جمله سمن‌ها، اتحادیه‌ها، اصناف و ... می‌تواند بستر مناسبی برای مشارکت و تاثیرگذاری بیشتر مردم را فراهم کند. چنانچه این نهادها به صورت شبکه‌های ارتباطی بروز یابند؛ تاثیری‌گذاری بیشتری خواهند داشت و موجبات بزرگ شدن جامعه مدنی را فراهم می‌آورند. توسعه نهادهای مدنی کوچک، باعث می‌شود که بسترهای لازم برای ظهور احزاب قوی و موثر، فراهم شود.

جدول شماره ۵: مفاهیم استخراج شده از عبارات مصاحبه‌شوندگان درباره مقوله پیامدی جامعه و

نهادهای مدنی

ردیف	عبارت	مفهوم
۱	احزاب باید بتوانند پیوند خود را با دیگر بخش‌های جامعه مدنی تقویت کنند.	ارتباط متقابل احزاب با نهادهای مدنی
۲	احزاب و جامعه مدنی باید بتوانند منافع مردم را در نظر بگیرند.	توجه به منافع مردم
۳	اگر حزبی از ظرفیت‌های جامعه مدنی استفاده نکند تاثیرگذار نخواهد بود.	استفاده از ظرفیت‌های مدنی
۴	در ایران آزادی برای فعالیت‌های مدنی وجود ندارد.	عدم آزادی‌های مدنی
۵	بعد از انقلاب دو مانع عمده در راه جامعه مدنی وجود داشته است؛ ۱- فرد محوری رفتارهای سیاسی ۲- تسلط جناح‌های سیاسی	ممانعت از تقویت جامعه مدنی بعد انقلاب
۶	برای تشکیل جامعه مدنی، دولت باید کوچک شود.	لزوم کوچک‌سازی دولت
۷	نهادهای مدنی باید تشکل‌های شناسنامه دار باشند.	ساختار صحیح مدنی
۸	برای شکل‌گیری حکمرانی خوب و تقویت جامعه مدنی، باید افراد و نهادها در حوزه وظایف خود، بدون دخالت دیگری عمل کنند.	عدم دخالت نهادهای مدنی در یکدیگر
۹	حاکمیت به تقویت جامعه مدنی تمایل ندارد زیرا باید بخشی از اختیارات قدرت را به آنها واگذار کند.	عدم اعتقاد حاکمیت به جامعه مدنی
۱۰	جامعه مدنی پرسشگر و حاکمیت پاسخگو می‌تواند به تحقق حکمرانی خوب کمک کند.	جامعه مدنی پرسشگر
۱۱	برای تقویت جامعه مدنی باید از راه روش جوامع توسعه یافته اقتباس	الگو پذیری از رویکرد جوامع مدرن

ردیف	عبارت	مفهوم
	عالمانه صورت گیرد.	
۱۲	در ایران نافرمانی مدنی به جای جامعه مدنی دیده می شود.	نافرمانی مدنی
۱۳	حکمرانی خوب مستلزم دولت قوی و جامعه منی قوی است.	دولت قوی و جامعه مدنی قوی
۱۴	گسترش نهادهای مدنی کوچک باعث تقویت احزاب می شود.	گسترش نهادهای مدنی کوچک
۱۵	جامعه مدنی در ایران در حال رشد است.	رشد جامعه مدنی
۱۶	جامعه مدنی و خوب رابطه دو طرفه دارند. تقویت یکی موجب تقویت دیگری می شود و بالعکس.	ارتباط متقابل جامعه مدنی و حکمرانی خوب
۱۷	شکل گیری جامع مدنی مستلزم آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.	لزوم توجه به آزادی های سیاسی
۱۸	آگاهی برای تقویت جامعه مدنی در حال افزایش است.	افزایش آگاهی های مدنی



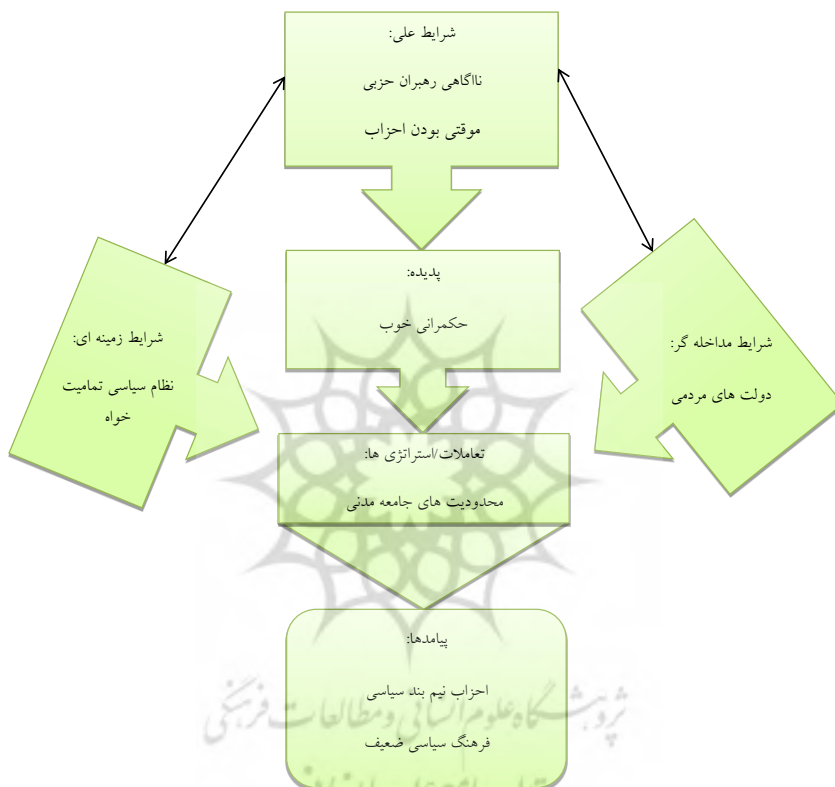
۵. مقوله های پیامدی

این مقوله بیانگر این است که در نتیجه شرایطی که به آنها پرداخته شد؛ مسائلی همچون؛ فرهنگ سیاسی ضعیف، احزاب سیاسی موقتی و نیم‌بند و وابستگی به ساختار سیاسی به وجود می آیند که نه تنها مطلوب نیستند بلکه باعث می شوند که جامعه مدنی تضعیف شود و شرایط و بسترهای حکمرانی خوب نیز در جامعه مهیا نشود. فرهنگ سیاسی، نقطه اتصال حکومت و حکمرانی خوب به شمار می رود. ضعف فرهنگ سیاسی به مشارکت ناآگاهانه و

تبعی، عدم قاعده‌مندی بازی‌های سیاسی، و وابستگی هر چه بیشتر احزاب موجود به نظام سیاسی منجر می‌شود.

الگوی شماره ۱: الگوی زمینه‌ای مطالعه و بررسی نقش احزاب سیاسی در شکل‌گیری حکمرانی

خوب (مدل موجود)



- بر اساس مدل نهایی موجود می‌توان گفت شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران تحت تاثیر شرایط خاصی است. این شرایط در ۳ دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر.

شرایط زمینه‌ای عبارتند از: سلسله زمینه‌های خاص که طی آن راهبردهای کنش یا کنش متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (استرواس و کوربین، ۱۳۸۷: ۹۷)؛ از جمله این شرایط تمامیت‌خواهی نظام سیاسی است که به عنوان شرایط زمینه‌ای در مدل

موجود ارائه شده است. عمده‌ترین مشکل و مانع فعالیت احزاب سیاسی در ایران از جانب نظام‌های سیاسی ایجاد و اعمال شده است. نظام‌های سیاسی چه پیش و چه پس از انقلاب همواره، توزیع قدرت را تهدید قلمداد کرده‌اند و بر همین اساس نیز ایجاد، گسترش و آزادی فعالیت تشکل‌های مدنی را محدود می‌کنند. این مساله در ایران علاوه بر موانع ساختاری، ریشه‌های تاریخی دارد به این معنا که در طول تاریخ همواره نظام‌های سیاسی تمامیت خواه تکرار شده‌اند و به رغم ادعاهای مطرح شده درباره آزادی فعالیت احزاب سیاسی از مشروطه تاکنون، این موانع و محدودیت‌ها همچنان وجود دارد. اما شرایط علی؛ وقایع یا متغیرهایی است که منجر به رخداد یا توسعه پدیده می‌شوند. شرایط علی، دسته‌ای از علل و مشخصه‌های آن است (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۱۷۴)؛ در این نوشتار شرایط علی عبارتند از؛ ناگاهی رهبران حزبی، موقتی بودن احزاب و طبقه متوسط ضعیف.

احزاب سیاسی دارای یک مجموعه ویژگی‌های مثبت اعم از ابزار سیاسی، پاسخگویی، نقش نظارتی و ... هستند که این ویژگی‌ها موجب تقویت آنها می‌شود. اما در جوامع مدعی آزادی‌های مدنی، احزاب نه تنها فرصت ابراز وجود نمی‌یابند بلکه سرخورده شده و کنار گذاشته می‌شوند. در نظام سیاسی تمامیت خواه اگر چه نمایندگان قوه مقننه و رییس جمهور با رای مردم انتخاب می‌شوند اما این انتخاب نه از روی مشارکت آگاهانه و فعال که به صورت تبعی و از روی ملاک‌هایی به دور از الزامات جامعه مدنی است. احزاب و نهادهای مدنی از آنجا که خواستار تکثیر قدرت و نقش موثر مردم در تصمیم‌سازی‌ها و سیاستگذاری‌ها هستند، مستقیم و غیر مستقیم از سوی حاکمیت تضعیف می‌شوند.

اما پدیده تحت تاثیر شرایط مداخله‌گر نیز قرار دارد. شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که به پدیده‌ای تعلق دارند که بر راهبردها و استراتژی‌های کنش یا کنش متقابل اثر می‌گذارند آنها راهبردها و استراتژی‌ها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند یا آنها را محدود و مقید می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۰۱). در این نوشتار دولت‌های مردمی که در برخی دوره‌ها مستقر شده‌اند همچون دولت‌های هفتم و هشتم تحت عنوان

شرایط مداخله‌گر قرار می‌گیرد. با استقرار دولت اصلاحات تا اندازه‌ای عرصه برای نهادهای مدنی و رسانه‌های مستقل مهیا شد احزاب یا نهادهای مدنی به نوعی بر تنگناها و محدودیت‌های ساختار سیاسی فائق آمدند و جامعه در مسیر مطالبه خواهی مدنی حرکت کرد.

حکمرانی خوب به عنوان پدیده مورد نظر تحت تاثیر مجموعه شرایط مزبور ایجاد، تقویت یا از میان می‌رود. اما راهبرها و تعاملاتی که در نتیجه مجموعه عوامل و شرایط فوق اتخاذ می‌شود؛ محدودیت‌ها و حمایت‌ها از جامعه مدنی است. حمایت‌ها و محدودیت‌هایی که تحت تاثیر رویدادهای سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و ... در جامعه به وجود می‌آید، ممکن است زمینه را برای ایجاد پیش فرض‌های جامعه مدنی هموار یا از میان ببرد. نهادهای مدنی در ایران همواره با نگاه امنیتی روبرو بوده‌اند، همین مساله باعث شده است آنها روز به روز ضعیف‌تر شوند. حضور سمن‌ها حتی درباره موضوعات زیست محیطی و کودکان کار نیز، سیاسی قلمداد می‌شود. در واقع بزرگ بودن دولت و قدرت دولتی در ایران، باعث شده است که فضای جامعه مدنی بسیار محدود باشد. در این خصوص دولت اصلاحات چنانکه که به آن اشاره شد، با حمایت از جامعه مدنی، آزادی‌های سیاسی - اجتماعی و ... عرصه را برای شکل‌گیری حکمرانی خوب فراهم کند اما از سوی دیگر؛ پس از انتخابات ۸۸، جامعه شاهد رخدادهایی بود که هر گونه مطالبه خواهی مدنی و تلاش برای آزادی‌های سیاسی - اجتماعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم، سرکوب می‌شد.

شرایط مذکور و فرآیندی که در جامعه آغاز و ادامه می‌یابد؛ پیامدهایی به دنبال دارد، مهمترین این پیامدها در شرایط موجود جامعه ایران؛ مسائلی همچون ضعف جامعه مدنی، نبود رسانه‌های مستقل، اعمال محدودیت نسبت به جامعه مدنی و ... است. که مهمترین آنها احزاب نیم بند، فرهنگ سیاسی ضعیف و وابستگی احزاب به ساختار سیاسی است.

۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهشگر با توجه به هدف اصلی این پژوهش «مطالعه زمینه‌ها و تنگناهای شکل - گیری حکمرانی خوب ایران» بود، بر آن شد که زمینه‌ها و تنگناهای شکل‌گیری حکمرانی

را در ایران به روش کیفی و با مطالعه و مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران اعم از فعالان سیاسی، استادان دانشگاه و صاحب نظران ذیربط بررسی کند؛ این مطالعه با توجه به حساسیت‌های جامعه نسبت به موضوع و همچنین محدودیت‌هایی که برای انجام مصاحبه‌ها با صاحب نظران وجود داشت، با محدودیت‌ها تنگناهایی روبرو بود.

با وجود محدودیت‌های مذکور، پژوهشگر در مصاحبه‌ها از طریق نمونه‌گیری نظری به اشباع نظری در این زمینه دست یافت؛ در جریان پژوهش، مصاحبه‌ها ضبط و پس از اتمام مصاحبه به صورت مکتوب تنظیم شد، پس از آن عبارات، مفاهیم، مقولات عمده و محوری از آن‌ها استخراج شد و در مجموعه شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، زمینه‌ای؛ تعامل‌ها و استراتژی‌ها و پیامدها به دست آمد و در مدل نهایی ارائه شد.

حکمرانی خوب، اگر چه موضوعی تازه در ادبیات توسعه قلمداد می‌شود اما بیش از دو دهه از طرح آن می‌گذرد. در واقع شاخص‌هایی که ملاک و معیار حکمرانی خوب در یک جامعه به شمار می‌روند پیش‌تر در دیگر انواع توسعه مورد تاکید بوده‌اند، اما تجمیع آنها و ضرورت‌هایی همچون جامعه مدنی، دولت و بخش خصوصی که برای حکمرانی خوب مطرح است تا پیش از این مبحث کمتر مورد توجه بوده‌اند.

همانطور که پیش‌تر نیز گفته شد؛ حکمرانی خوب الگویی است که با شاخص‌هایی همچون؛ پاسخگویی، مسوولیت‌پذیری، حاکمیت قانون، کنترل فساد، شفافیت‌سازی و ... شناخته و ارزیابی می‌شود و کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مجامع بین‌المللی و جهانی آن را دنبال می‌کنند. حکمرانی خوب الگویی نیست که در خلاء شکل گیرد جامعه مدنی و ساختار دموکراتیک یک از زمینه‌های شکل‌گیری آن است. البته این مهم نیازمند پیش فرض اساسی دیگری است که با توجه به داده‌های پژوهش از آن به نظام سیاسی و تحت عنوان شرایط زمینه‌ای تعبیر شده است. بنابر داده‌های این پژوهش که از مصاحبه با صاحب نظران سیاسی استخراج شد؛ نظام سیاسی در ایران اگر چه در برهه‌ای ادعای مردم سالاری و حکومت مردم بر مردم داشته است، اما نظامی تمامیت خواه است. در این نظام، احزاب سیاسی و مطبوعات وابسته به آنها به ظاهر فعالیت آزاد دارند، مردم می‌توانند در

سرنوشت خود مشارکت کنند، دولت‌ها شعار حقوق شهروندی می‌دهند و...، اما در واقعیت امر هر گونه فعالیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... که در چارچوب و حیطه نظام سیاسی و دولت نباشد، محدود و سرکوب می‌شود. مشارکت سیاسی مردم در کلان شهرها، توصیه-ای و در شهرهای کوچک بنابر معیارهای جامعه سنتی همچون مناسبات قبیله‌ای، پیوندهای خانوادگی و ... است.

با توجه به شرایط موجود که شرح آن رفت، مطلوب است که برای شکل‌گیری حکمرانی خوب، شرایط جامعه همه به لحاظ شرایط علی و زمینه‌ای، هم به لحاظ شرایط مداخله‌گر تغییر یابد. نباید تصور شود میان حکومت و جامعه مدنی تعارض وجود دارد، بلکه باید تعامل آنها با یکدیگر درست، منطقی و مسالمت‌آمیز باشد. از یک سو حکومت بستر و فرصت لازم را برای گسترش و توانمندی جامعه‌ی مدنی و سرمایه‌ی اجتماعی فراهم کند، از خواست‌ها، انتقادات و انتظارات جامعه‌ی را استقبال کند و به آن پاسخ دهد؛ زیرا حکومت در پرتو نقدها و چالش‌ها از ضعف‌های خود آگاه شده و با از میان برداشتن آنها توانمند می‌شود. از سوی دیگر، شایسته و بایسته است که نهادها و انجمن‌های مدنی و احزاب موجود در جامعه‌ی مدنی به قواعد و ارزش‌های دموکراتیک، اخلاق مدنی (رعایت قانون و مصالح عمومی) و مسئولیت مدنی خود پایبند باشند. تنها در این فضای تعاملی است که اعتماد، همکاری و دوسویگی درست میان دولت و جامعه‌ی مدنی به حکمرانی خوب منتهی می‌شود. نهادهای مدنی با اعتماد آفرینی، به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند. شبکه‌های ارتباطی متشکل از نهادهای مدنی در موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی می‌توانند با جلب اعتماد شهروندان، خواست‌های مردمی و مطالبات آنها را به شکل سازمان‌یافته و منسجم مطرح کنند و به این ترتیب با تقویت مشارکت، انسجام و همبستگی مدنی برای جامعه بهتر و مطلوب آماده شوند.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسن (۱۳۹۰)، روشهای کاربردی پژوهش؛ کاربرد نظریه بنیانی، تهران: انتشارات کیهان.
- استراوس، آنسلم؛ جولیت، کوربین (۱۳۸۷)، اصول روش پژوهش کیفی نظریه مبنایی رویه ها و شیوه ها، مترجم: بیوک محمدی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایمانی جاجرمی، حسین و همکاران (۱۳۸۶) "تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشرنی.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۴) دمکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و پژوهشات سیاسی وزارت کشور.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷)، نظریه های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید ده بزرگی و علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران، رسا.
- کبیری، افشار (۱۳۹۰)، تبیین جامعه شناختی حکمرانی خوب (بررسی تطبیقی فازی بین کشورهای ۲۰۰۸-۲۰۰۰)، پایان نامه دکتری رشته جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی به راهنمایی دکتر علی ساعی و مشاوره محمد سالار کسرائی و حسین صادقی.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۵)، مدخلی بر سرمایه اجتماعی، فصلنامه سیاست داخلی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۰۳-۷۵.
- قلی پور، آرین (۱۳۸۴) حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: مرکز پژوهشات استراتژیک.
- قنبری، علی (۱۳۹۱) توسعه اقتصادی و توسعه انسانی، تهران، نشر چالش، چاپ اول.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، تجربه‌ی نوسازی «مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای»، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- مکیان، نظام الدین؛ بی باک، مزده (۱۳۹۴)، تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی: تحلیل بین کشوری، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال نهم، شماره ۲، ص ۱۴۷-۱۳۱.

- میدری، احمد (۱۳۸۳) تغییر در سیاست های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- نش، کیت (۱۳۹۵)، جامعه شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- نوریس، پیپا (۲۰۰۲)، گزینش نظام های انتخاباتی، اکثریتی و نظام های ترکیبی، ترجمه حسین نبی لو (۱۳۸۷)، مجله پژوهش، سال دوازدهم، شماره ۵۰-۴۹.
- یزدانی زنور، هرمز (۱۳۸۴) بررسی نقش شفافیت در حکمرانی مطلوب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.

- Abu Karim M.(2016). DEMOCRACY, PARTY POLITICS AND GOOD GOVERNANCE: The Role of Electoral Management Bodies in Nigeria: International Journal of Public Administration and Management Research (IJPAMR), Vol. 3, No 3. Website: <http://www.rcmss.com>. ISSN: 2350-2231 (Online) ISSN: 2346-7215 (Print).
- ANIETIE VINCENT E.(2012). Department of Economics, Faculty of Social Sciences, University of Lagos, Akoka, Yaba, Lagos: Human Development and good Governance. (NIGERIAN CASE; 1996-2010).3-39.
- Dekker,paul; Uslaner.M. Reic.(2001). Social Capital And Participation In Evvery day Life. Routledge. New York.
- Etzioni, Amitai.(1996). Positive Aspects of Community and the Dangers of Fragmentation, Volume 27, Issue 2,pp.301-314.
- EASTON, DAVID.(1965) A Framework for Political Analysis. . Pp. xvi, 143. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.
- Grootaert,C and bastelaert,T.(2002).”the role of social capital development”cambridj,univ.press
- Hasnat Sh, R; kaniz, M. (2013). Political Parties and Good Governance: Bangladesh Perspective, IOSR Journal of Humanities And Social Science(IOSR- JHSS) volume 8, Issue5,PP37-45.
- Inglehart, Ronald; Welzel, Christian.(2008). Modernization,Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence, Perspectives on Psychological Science, Volume 12, Issue 4, pp. 551–560.

- Johnson,Jeffry.(1989).SelectingEthnographicInformants.London:Sage Publication.
- Mahbub ul Haq.(1999). HUMAN DEVELOPMENT IN SOUTH ASIA, OXFORD University Prss. England.
- Neuman,Lawrence.(2000).Social Research Approaches.Third Edition. London:Allyn and Bacon.
- Riley,Amgela(2007). Good (NATIVE) Governance, Columbia Law Review, Vol.107, NO.5. pp.1049-1125.
- Sajid, I.(2017).The impact of Civil Society Organazation on good Governance, Scientific Journal of Management and Social Sciences, Volume 1, ISSU1. PP,2-10.
- Uslaner, E. (2001). Volunteering and social capital: how trust and religionshape civic participation in the united state in social capital and participation ineveryday life (ed) paul Deller and Eric M. Uslaner. London routledge.
- Walters, L.C. & Miller, J.(2000).Putting More Public in Policy Analysis", PAR, 60(4).
- http://siteresources.worldbank.org/WBI/Resources/Demanding_Good_Governance-FINAL.pdf